

Critique of Karim Pour Zubeid's Translation of the Novel "Tashari" by Anam Kajaji "My Pieces" based on the Pattern of Garcés

Yosra Shadman *

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran

Mina Arabi

Ph.D. in Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

In order to improve the quality of translation, theorists have provided many models, each of which shows the acceptability of literary works in the target language. By evaluating the translation in the form of a pattern, the positive and negative features of the translation show themselves, and this indicates the adequacy and acceptability of a translation. In this research, an attempt has been made to evaluate and criticize the translation of the novel "Tashari" written by Anam Kajaji under the title "My Pieces" by the efforts of Karim Pour Zubeid based on the model suggested by Garcés. Garcés's model is one of the most basic theories in the field of linguistics, the main purpose of which is to determine the qualitative level of translations. Garcés analyzes four levels to evaluate translation, each of which is formed by subcategories. The most important findings of this research, which have been written by descriptive-analytical and statistical methods, indicate that: Poor Zubeid did not rely on the source language and even in some cases disrupted the main concepts of the story. It also has the highest case density at the (stylistic-scientific) level, and since the subsets of this level are included in the form of negative features, it can be said that this translation does not have the necessary adequacy and acceptability.

Keywords: Translation Criticism, Carmen Garcés Model, Al-Tashari, Karim Pour Zubeid.

* Corresponding Author: y.shadman@ilam.ac.ir

How to Cite: Shadman, Y., Arabi, M. (2022). Critique of Karim Pour Zubeid's Translation of the Novel "Tashari" by Anam Kajaji "My Pieces" based on the Pattern of Garcés. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 71-104. doi: 10.22054/RCTALL.2021.58299.1531

نقد برگردان کریم پورزید از رمان «طشاری» اثر انعام کجه‌جی با عنوان «تکه پاره‌های من» براساس الگوی کارمن گارسس

استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

یسرا شادمان * ID

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مینا عربی ID

چکیده

نظریه پردازان حوزه ترجمه، الگوهای بسیاری را جهت ارزیابی میزان مقبولیت آثار ادبی در زبان مقصد ارائه داده‌اند که هر یک می‌تواند شاخص مناسبی برای بررسی ترجمه‌ها به‌شمار رود. الگوی کارمن گارسس از اساسی‌ترین نظریات در زمینه زبان‌شناسی است که به ارزیابی سطح کیفی ترجمه‌ها در چهار سطح: (معنایی- لغوی)، (نحوی- صرفی)، (گفتمانی- کارکردی) و (سبکی- علمی) می‌پردازد که هر یک خود از زیرمجموعه‌هایی تشکیل شده‌اند. در این جستار، تلاش شده براساس الگوی پیشنهادی گارسس، ترجمه رمان «طشاری»، نوشته «انعام کجه‌جی» با عنوان «تکه پاره‌های من» به تلاش «کریم پورزید» مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی و آماری نگاشته شده، نشان می‌دهد که پورزید به زبان مبدأ متکی نبوده و حتی در پاره‌ای از موارد به مفاهیم اصلی داستان خلل وارد کرده است. همچنین در سطح (سبکی- علمی) بیشترین تراکم موردی را داشته و از آنجایی که زیرمجموعه‌های این سطح در قالب ویژگی‌های منفی گنجانده می‌شوند، می‌توان گفت که این ترجمه از کفایت و مقبولیت لازم برخوردار نیست.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، الگوی کارمن گارسس، طشاری، کریم پورزید.

مقدمه

اهمیت ترجمه به عنوان ابزار مهم پیوند جوامع بشری، نه تنها در معادل‌یابی واژگان، بلکه در انتقال مفاهیم فرهنگی میان ملت‌ها نمود می‌یابد و نقش مترجم در جایگاه تأمین‌کننده بخشی از نیازهای فرهنگی جامعه، نقشی اجتماعی است (لفور و همکاران^۱، ۱۳۹۴: ۵۴). ترجمه؛ یعنی برگردان متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، بی‌هیچ کاهش و افزایشی در صورت و معنی. این تعریف فقط در چهارچوب نظری قالب اتکا است، چراکه انتقال هر پیامی از زبانی به زبان دیگر، بدون تغییر در صورت و مفهوم، امری ناشدنی است (صفوی، ۱۳۹۷: ۹). روزه کاریو^۲ عقیده دارد که ترجمه خوب، نه ترجمه لفظ به لفظ است و نه ترجمه ادیبانه، بلکه ابداع متنی است که اگر زبان مادری نویسنده همان زبان مترجم بود، آن را می‌نوشت (نجفی، ۱۳۶۱: ۱۴). برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که عناصر سازنده متن اصلی باید در متن ترجمه حضور داشته باشند و خواننده هر لحظه بداند که متن ترجمه شده‌ای را می‌خواند (صلح‌جو، ۲۶:۱ ۳۹۴). در این میان و با وجود اینکه ترجمه رمان در کارکردهای مختلف، دچار نوساناتی از قبیل کاهش، افزایش، حذف و یا حفظ مضمون و ساختار می‌شود، اما نظر به اینکه یکی از اهداف ترجمه ادبی، آشناسازی مردم یک فرهنگ با فرهنگی دیگر است، ترجمه نوشته‌ها و آثار فرهنگی، امر اجتناب‌ناپذیری است (علیزاده، ۱۳۸۹: ۵۵).

نقد از یک مبنای نظری مشخص خلق می‌شود و این یک ضرورت است که به یک گفتمان انتقادی نیازمند هستیم که براساس اصول و قواعد باشد تا بتوان سطح کیفی اثر را بررسی و تبیین کرد (عبدالباسط، ۲۰۱۷: ۱۵). ارزشیابی ترجمه و مترجم، زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در جهت بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها روندی صعودی به وجود آید و در نهایت ترجمه‌هایی با کیفیت عالی داشته باشیم.

در بررسی و طبقه‌بندی آثار ترجمه شده برای ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها، اقدامات نظام‌مند محدودی صورت گرفته است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۵۹). با توجه به فراوانی رمان‌های ترجمه شده از زبان عربی به فارسی، این ضرورت احساس می‌شود که با نقد ترجمه و ارزیابی کیفیت کار مترجم براساس اصول و قواعد معین، فرآیند ترجمه به شکل علمی‌تر و اصولی‌تر انجام پذیرد. برای در امان ماندن از ضعف و نقص در ترجمه، الگوها و مدل‌های بسیاری نیز

1. Lefevere, A.
2. Carrion, R.

ارائه شده است که باعث می‌شود ارزش علمی و دقت ادبی یک اثر بالاتر رود. برای در امان ماندن از ضعف و نقص در فرآیند ترجمه، می‌توان از الگوها و مدل‌های بسیاری کمک گرفت که موجب افزایش ارزش علمی و دقت ادبی یک اثر می‌شوند.

رمان «طشاری» اثر «انعام کجه‌جی» به قلم کریم پورزبید تحت عنوان «تکه‌پاره‌های من» به زبان فارسی ترجمه شده است. این رمان توانسته روحیات یک زن فرهیخته را در قالب سیر تاریخی حوادث به نمایش بگذارد و علاوه بر جنبه ادبی از نگاه تاریخی نیز اهمیت یابد. بررسی ترجمه این رمان به عنوان نمونه‌ای موردی، گامی در جهت تقویت ترجمه عربی-فارسی محسوب می‌شود. برای نیل به این هدف و در جهت ارزیابی عملکرد مترجم از الگوی پیشنهادی کارمن گارسس به عنوان مدلی جامع و دقیق استفاده شده است. پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند، عبارتند از:

- نقاط ضعف و قوت ترجمه کریم پورزبید از رمان «طشاری» از منظر الگوی کارمن گارسس کدام است؟

- کدام یک از سطوح الگوی گارسس در ترجمه پورزبید پررنگ‌تر است؟

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقاله یا پایان‌نامه‌ای با موضوع ترجمه رمان «طشاری» نگاشته نشده است، اما در زمینه نقد ترجمه رمان براساس الگوی گارسس^۱، تعداد مقالات قابل ملاحظه‌ای با محوریت رمان‌های دیگری تالیف شده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

صیادانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس»، پس از معرفی رمان به ارائه توضیحاتی درخصوص الگوی گارسس و سطوح چهارگانه آن می‌پردازند و برای هر زیرمجموعه، نمونه‌هایی را ذکر کرده و با رسم نمودار، ویژگی‌های منفی و مثبت اثر را می‌سنجند تا بتوانند الگویی مناسب و تفکیک شده به نمایش بگذارند؛ درعین حال، برای برخی از زیرمجموعه‌ها هیچ‌گونه توضیحات تکمیلی ارائه نشده و تنها به برخی کلمات به صورت موجز اشاره شده است.

1. Garses model

احمدی و قنبری (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمه فارسی داستان «نهر الذهب» براساس نظریه سطحی معنایی - لغوی الگوی گارسس» به تطبیق ترجمه رمان «نهر الذهب» نوشته یعقوب الشارونی، تنها از لحاظ سطح (معنایی - لغوی) با الگوی گارسس پرداخته‌اند و سایر سطوح نظریه مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است.

رشیدی و فرزانه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه از رمان انگلیسی دن کیشوت^۱ اثر میگوئل د. سروانتس^۲ براساس الگوی گارسس به بررسی موردی رمان پرداخته و مثال‌های عینی و تجزیه و تحلیلی در این راستا بیان کرده‌اند، بلکه تنها به بیان نظریه‌های مختلف در این مبحث و بیان اطلاعاتی نظری در رابطه با الگوها بسنده کرده‌اند. ایشان (۱۳۸۲) در مقاله دیگری با عنوان «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا^۳، اثر مارک تواین^۴ براساس الگوی گارسس» چهار ترجمه از ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا را براساس الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار داده‌اند و نتایج به صورت جدول-های فراوانی ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

در مقاله حاضر، پس از ارائه توضیحاتی درباره الگوی کارمن گارسس، زیر مجموعه‌های آن همراه با نمونه‌هایی از رمان بررسی می‌شوند که این نمونه‌ها با رسم نمودارهایی نمود می‌یابند. بدین ترتیب، میزان توفیق مترجم و روش کار وی و نقاط ضعف و قوت عمل برگردان مشخص می‌شود.

۲-۱. «انعام کجه‌جی» و رمان «طشاری»

انعام کجه‌جی متولد سال ۱۹۵۲ در بغداد و دانش‌آموخته رشته روزنامه‌نگاری از دانشگاه سوربن فرانسه است. رمان‌های کجه‌جی به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و چینی ترجمه شده‌اند. از جمله رمان‌های او می‌توان به «طشاری»، «سواقی القلوب» و «لورنا» اشاره کرد.

-
1. Don Quijote
 2. De Cervantes, M.
 3. The Prince and the Pauper
 4. Twain, M.

رمان «طشاری» که با عنوان «تکه‌پاره‌های من» توسط کریم پورزبید ترجمه شده است، نامزد جایزه بزرگ بوکر جهان عرب شد و در سال ۲۰۱۶ به جایزه بزرگ لاگارد فرانس دست یافت. وی در این رمان به واکاوی زندگی سه نسل از مردم عراق پرداخته است؛ مردمی که جنگ و ناامنی بخشی از آنان را به سوی مهاجرت‌های اجباری سوق داده است. نویسنده از دریچه نگاه قهرمان داستان که پیرزنی ۸۰ ساله به نام «وردیه» است، درد و رنج‌های دل‌کننده از وطن و زادگاه را ترسیم می‌کند.

۲-۲. الگوی نقد ترجمه کارمن گارسس

نقد ترجمه از جمله روش‌هایی است که به ارتقای سطح کیفی ترجمه میان‌زبانی کمک می‌کند. از آنجا که برای ارزیابی ترجمه، الگوهای متعددی معرفی شده است، تطبیق ترجمه براساس الگوهای علمی ثبت شده، لازم و ضروری می‌نماید، چراکه فضایی مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه به وجود می‌آورد و باعث می‌شود، ترجمه در روندی صعودی و سالم قرار گیرد (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۵۹). در میان الگوهای ارزیابی ترجمه، الگوی گارسس مرکب از چندین نظریه است. او از مدل پیشنهادی وینه و داربلنه^۱ (۱۹۵۸) و نیومارک^۲ (۲۰۱۱)، ونن^۳ (۱۹۳۳)، ناید^۴ (۱۹۱۴)، دلیسل^۵ (۱۹۷۳)، نوربرت^۶ (۱۹۹۰) و یاتوری^۷ (۱۹۴۶) بهره‌جسته و توانسته براساس آن‌ها، الگوی جدید و جامعی را ارائه دهد. گارسس برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و ترجمه‌ها، چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح به گفته وی گاهی با هم تداخل دارند. این سطوح عبارتند از: «معنایی- لغوی»، «نحوی- صرفی»، «گفتمانی- کارکردی» و «سبکی- منظورشناختی» (همان: ۴۴). هر کدام از این سطوح متشکل از چند زیرمجموعه است که در جدول (۱) ارائه شده است.

مطابق نظریه گارسس، ترجمه‌ها براساس ویژگی‌های مثبت و منفی، بیانگر کیفیت و مقبولیت هستند. در واقع، ترجمه‌ها را علاوه بر سطوح چهارگانه که پیشتر بیان شد از طریق

1. Vinay, J., Darbelnet, J.
2. Newmark, P.
3. Venan, B.
4. Nida, E.
5. Delisle, G.
6. Norbert, E.
7. Yatouri, V.

کفایت و مقبولیت نیز می‌توان بررسی و رده‌بندی کرد (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۷). در جدول نمودار (۱)، ویژگی‌های منفی و مثبت در ارزیابی ترجمه ذکر شده است.

جدول ۱. سطوح الگوی نقد ترجمه کارمن گارسس

سطح الگو	معیارها
معنایی- لغوی	۱- تعریف یا توضیح برحسب اختلافات فرهنگی، ۲- معادل فرهنگی، ۳- اقتباس، ۴- بسط نحوی، ۵- قبض نحوی، ۶- عام برابر خاص و ۷- ابهام
نحوی- صرفی	۱- ترجمه تحت‌اللفظی، ۲- ترجمه از طریق تغییر نحو، ۳- ترجمه از طریق تغییر دیدگاه، ۴- ترجمه از طریق جبران، ۵- ترجمه از طریق توضیح معنی، ۶- ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف و ۷- ترجمه از طریق تغییر نوع جمله
گفتمانی- کارکردی	۱- حذف منظور متن اصلی، ۲- حذف حواشی، ۳- تغییر به علت اختلافات اجتماعی، ۴- تغییر لحن، ۵- تغییر ساختار درونی متن مبدأ و ۶- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای
سبکی- علمی	۱- بسط خلاقه، ۲- اشتباه مترجم، ۳- حفظ اعلام، ۴- حفظ ساختار متن مبدأ، ۵- بیان نامناسب در متن مقصد، ۶- پرگویی در برابر ساده‌گویی و ۷- تغییر در صناعات ادبی

نمودار ۱. ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه از منظر الگوی گارسس



اکنون به بررسی هر سطح و زیرگروه‌های آن می‌پردازیم.

۲-۲-۱. سطح اول: معنایی - لغوی

این سطح شامل زیرمجموعه‌هایی است که در این قسمت با ذکر نمونه‌هایی از رمان به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱-۱. تعریف یا توضیح برحسب اختلاف فرهنگی، فنی یا زمانی

هنگامی که مترجم با واژه‌ای بومی که مختص فرهنگ زبان مبدأ است، روبه‌رو می‌شود باید برای شفاف‌سازی و درک بیشتر خواننده به توضیح آن واژه در متن بپردازد، چراکه عدم آگاهی خواننده نسبت به برخی واژگان، باعث می‌شود که مفهوم به درستی رسانده نشود.

متن اصلی: «كان لواء الديوانية من حظ وردية» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۳۰).

ترجمه: لواء دیوانیه شانس وردیه بود (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۳).

در نمونه ارائه شده، مترجم در توضیح واژه «لواء» در پاورقی آورده است: یکی از تقسیمات جغرافیایی که از دوره عثمانی به جای مانده و به معنای شهرستان است. مترجم با توضیح این واژه، گنگی و ابهام را در کلام زدوده است. هرچند بهتر بود همان معادل شهرستان یا شهر را به کار می‌برد و دیگر توضیحی اضافه نمی‌کرد.

۲-۲-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی

معادل فرهنگی بدین معناست که مترجم برای ترجمه واژه‌ای در زبان مبدأ به ترجمه تحت‌اللفظی آن بسنده نکند و پا را فراتر نهد و برای آن، جایگزینی در زبان مقصد پیدا کند (نیومارک، ۱۹۸۸: ۳۲) که گاهی با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود. این فرآیند، واژه زبان مبدأ را خنثی یا عام می‌سازد و گاهی هم نکته‌ای را اضافه می‌کند؛ در واقع این فرآیند، زدودن مفهوم فرهنگی از واژه‌ای است که صبغه فرهنگی دارد (فهیم و سبزیان مرادآبادی، ۱۳۷۲: ۱۰۶).

متن اصلی: «كان كهلا أشيب متأنقا على اربع و عشرين حبة يرتدى بدلة سوداء ذات ذيل يتدلى

خلفه» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۲).

ترجمه: پیرمردی بسیار خوش پوش بود و کت مشکی دم‌داری پوشیده بود که دمش از پشت آویزان بود (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۴).

در نمونه‌ارائه شده، مترجم عبارت «علی اربع و عشرين حبه» را «بسیار خوش پوش» ترجمه کرده است، چرا که ترجمه تحت‌اللفظی آن می‌شود: «بر ۲۴ دانه خوش پوش است» که در زبان مقصد هیچ کاربرد و مفهومی ندارد.

متن اصلی: «نهضت واقفة علی حیلها وحیته وتبادلته مع عبارات قليلة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۵). ترجمه: با تمام توان بلند شد و به رئیس‌جمهور سلام داد و با او جمله‌های کوتاهی آمیخته با کلمات چندین زبان رد و بدل کرد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۷).

در نمونه بالا، ترجمه تحت‌اللفظی ترکیب «علی حیلها»، «بر توانش» و معنای اصطلاحی آن «صاف» است و مترجم می‌توانست در ترجمه‌اش بگوید: بلند شد و صاف ایستاد ...

۲-۲-۱-۳. اقتباس

برای اقتباس نمونه یافت نشد.

۲-۲-۱-۴. بسط نحوی

بسط نحوی بدین معناست که مترجم ضمائر و اشارات مجازی و کنایه را که در زبان مبدأ به صورت تقدیری حذف شده است در ترجمه، تصریح و بیان کند (سیاحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳). این تصریح باعث می‌شود که اطلاعات به شکل واضح به زبان مقصد منتقل شود. این زیرمجموعه چهار مورد را دربر می‌گیرد که به دلیل ظرفیت محدود به بیان یک مورد اکتفا می‌کنیم. در این نمونه، مترجم کلمه «مهمان» را که در متن مبدأ به قرینه حذف شده است به صورت آشکار در زبان مقصد بیان می‌کند تا بتواند اطلاعات دقیقی را در اختیار مخاطب قرار دهد.

متن اصلی: «یسیر خطوات علی السجادة الزرقاء» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: مهمان روی فرش آبی راه می‌رود (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۶).

۲-۱-۵. قبض نحوی

زمانی که مترجم در ذکر معادل مناسب برای برخی واژگان در زبان مبدأ، کاهلی و سستی می‌کند و برای چند واژه تنها یک واژه را به کار می‌گیرد در شرف قبض نحوی ترجمه قرار گرفته است (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۸). برای قبض نحوی ۱۳ مورد یافت شد که تنها به بررسی ۳ مورد می‌پردازیم.

متن اصلی: «ارتقاء المنصة الواطئة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: بالارفتن از تریون (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۶).

نویسنده برای سکوی، صفتی بیان کرده که پورزبید با حذف آن صفت، تصویر دقیق سکوی را مخدوش کرده است.

ترجمه پیشنهادی: بالارفتن از سکوی کوتاه.

متن اصلی: «یاسمین قد تتصل بها...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۹).

ترجمه: یاسمین با او تماس می‌گیرد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۱).

پورزبید تأثیر معنایی حرف «قد» بر سر فعل مضارع را نادیده گرفته و آن را ترجمه نکرده است. حال آنکه این حرف در کنار فعل مضارع به معنی تقلیل است.

ترجمه پیشنهادی: یاسمین ممکن است به او زنگ بزند.

متن اصلی: «مضت إليها ما مضت بکثیر من التهيب» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۳۱).

ترجمه: اولین بار که به این شهر رفت با ترس رفت (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۳).

واژه «بکثیر» در ترجمه نادیده گرفته شده است. در صورتی که ترجمه دقیق آن، میزان ترس و وحشت وردیه را نشان می‌داد و به هدف نویسنده نیز نزدیک‌تر بود.

ترجمه پیشنهادی: در اولین سفرش به این شهر بسیار ترسیده بود.

۲-۱-۶. عام برابر خاص یا برعکس

منظور از این عنوان، ترجمه لغت خاص به صورت عام و برعکس آن است (فرهادی، ۱۳۹۲:

۱۲۴). در ادامه دو نمونه از عام برابر خاص یا برعکس ارائه شده است.

متن اصلی: «ورغم انحناء قامتها الطفيف فوق العصا» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۱۵).
ترجمه: و به رغم اندک خمیدگی هیكلش (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۷).
مترجم برای ترجمه واژه «قامتها» معادلی چون «هیكل» برگزیده است. حال آنکه این کلمه در عربی به معنای قد و قامت است.
ترجمه پیشنهادی: و به رغم اندک خمیدگی قامتش.

متن اصلی: «یحجزن أماكنهن فی الحافلة الصغيرة المستأجرة» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۲۳).
ترجمه: صندلی‌های خود را در مینی‌بوس کرایه‌ای رزرو می‌کنند (پورزید، ۲۰۱۳: ۲۴).
واژه «اماکن» در زبان فارسی با معادلی چون «صندلی‌ها» جایگزین شده است، اما «اماکن» واژه‌ای عام و در زبان فارسی معادل جا و مکان است و هر چند صندلی هم معنا را منتقل می‌کند، اما ترجمه دقیق نوشته‌شده مبدأ نیست.
ترجمه پیشنهادی: برای خود در مینی‌بوس کرایه‌ای جا رزرو می‌کنند.

۲-۲-۱-۷. ابهام

از جمله عوامل ابهام در کلام در نظر گرفتن دلالت‌های گوناگون برای یک صورت واحد است. براساس نظریه گارسس، ابهام ممکن است عمدی یا سهوی باشد. در صورت عمدی بودن باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، اما اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (Newmark, 1988: 206-207). منظور این است که در برخی موارد نویسنده، عامدانه ابهامی را در متن ایجاد کرده و از آن ابهام غرضی دارد که در این صورت لازم است مترجم نیز آن بخش را به گونه‌ای ترجمه کند که ابهام عامدانه در ترجمه اثر دیده شود و غرض نویسنده از ایجاد ابهام حفظ شود. البته گاهی ترجمه به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که ابهامی در متن ایجاد می‌شود که مورد نظر نویسنده اثر نیست. در مثال زیر، غرض کجه جی ایجاد ابهام نیست، اما مترجم به دلیل عدم درک دقیق جمله و یا ناتوانی در نگارش جمله فارسی، آن را به گونه‌ای برگردانده که خواننده اثر ترجمه شده ممکن است این برداشت را داشته باشد که ما گم شدن گذرنامه را جرم می‌دانیم. حال آنکه منظور نویسنده این است که این اتفاق در کشور او یک جرم تلقی می‌شده است. او در حال مقایسه بین عراق و فرانسه است. بنابراین، جمله فارسی باید گویای این امر باشد.

متن اصلی: «کان فقدان جواز السفر عندنا جریمه» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۷).
 ترجمه: گم کردن گذرنامه پیش ما جرمی بود که... (پورزید، ۱۳۹۷: ۲۹).
 مترجم برای «عندنا» از ترجمهٔ یک به یک استفاده کرده است. این در حالی است که مرجع ضمیر «نا» نامعلوم بوده و نوعی ابهام و سردرگمی برای مخاطب به وجود می‌آورد.
 ترجمهٔ پیشنهادی: گم کردن گذرنامه در کشور ما جرمی بود که ...

نمودار ۱. پراکندگی زیرمجموعه‌های سطح معنایی - لغوی



۲-۲-۲. صرفی - نحوی

زیرمجموعه‌های این سطح شامل موارد ترجمهٔ تحت‌اللفظی، ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی، ترجمه از طریق بسط و توضیح معنا، ترجمه از طریق تلویح-تقلیل و حذف و ترجمه از طریق تغییر نوع جمله است که در ادامه به شرح و ارائه نمونه برای هر یک پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲-۲. ترجمهٔ تحت‌اللفظی

نخستین و اساسی‌ترین اصل در ترجمه، وفاداری به متن مبدأ است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳). در ترجمهٔ تحت‌اللفظی ساختار یک به یک با معادل‌هایی در زبان مقصد جایگزین می‌شود؛ در نتیجه شاهد تجلی ساختار نحوی جمله در زبان مقصد خواهیم بود (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). در این رمان، ۲۲ مورد ترجمهٔ تحت‌اللفظی یافت شد که به ذکر ۶ نمونه بسنده می‌کنیم.

متن اصلی: «قال یا مولای کن لی.... عیشتی صارت مملته» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۹).
 ترجمه: گفت ای مولای من با من باش... زندگی خسته کننده شده... (پورزید، ۱۳۹۷: ۳۱).

این عبارت در بافت اصلی رمان نیست، بلکه بیت شعری است که سلیمان در توضیح دوست داشتن نامش بدان اشاره کرده است که در آن هدهد به سلیمان می‌گوید سرورم مرا دریاب و از من حمایت کن. با توجه به شعر بودن این قسمت به نظر می‌رسد شاعرانه ترجمه کردن آن به صواب نزدیک‌تر است.

ترجمه پیشنهادی: سرورم مرا دریاب! زندگی خسته‌کننده شده...

متن اصلی: «ثم تستدير الكاميرا لتتوقف في لقطه مقربة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۷).

ترجمه: سپس دوربین می‌چرخد تا در تصویر نزدیک درنگ کند (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۲).

مترجم برای ترجمه جار و مجرور «فی لقطه مقربة» از ترجمه تحت‌اللفظی «در تصویر نزدیک» بهره گرفته است. او می‌توانست از معادلی واضح‌تر چون «از نمایی نزدیک» که معادل فارسی «کلوز آپ» است، بهره گیرد.

ترجمه پیشنهادی: سپس دوربین می‌چرخد، تا از نمایی نزدیک ...

متن اصلی: «المدینة كلها في ورطة وجودية» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۳۱).

ترجمه: همه شهر در مخمصه وجودی است (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۲).

مترجم در این عبارت از ترجمه تحت‌اللفظی «در مخمصه وجودی» استفاده کرده است. حال آنکه با توجه به عبارت «مخمصه وجودی»، «فی» در این عبارت معنایی و رای ظرفیت را افاده می‌کند. از این منظر، مترجم می‌توانست عبارت را به صورت (گرفتار بحران اگزستانسیالیستی) ترجمه کند تا شرایط حاکم بر شهر و فضای داستان را بهتر ترسیم کند. ترجمه پیشنهادی: همه شهر گرفتار بحران اگزستانسیالیستی است.

متن اصلی: «كانت الحقائق قد بدأت تظهر وتدور على الحزام المتحرك» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۵).

ترجمه: چمدان‌ها در حالی که روی کمربند متحرک می‌چرخید، بالاخره نمایان شد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۸).

ساختار «کمربند متحرک» ترجمه تحت‌اللفظی است و در فرودگاه به وسیله‌ای که چمدان‌ها را از قسمت بار به سالن مسافران هدایت می‌کند، «تسمه گردان» گفته می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: کم کم چمدان‌ها معلوم شدند و شروع به چرخیدن روی تسمه گردان کردند.

متن اصلی: «الساعة هي الآن السابعة صباحاً في باريس» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۷).

ترجمه: الان ساعت ۷ صبح است در پاریس (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۹).

پورزبید با این ترجمه تحت‌اللفظی از دستور زبان فارسی فاصله گرفته است، بدون اینکه این به‌هم‌ریختگی ترتیب کلمات، معنای ثانوی را به ذهن متبادر سازد. ترجمه پیشنهادی: الان به وقت پاریس، ساعت ۷ صبح است.

متن اصلی: «ما الضرر في قليل من الرسوم المتحركة؟» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۷).

ترجمه: کمی نقاشی متحرک چه ضرری دارد؟ (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۹).

منظور نویسنده از «الرسوم المتحركة» کارتون است. کاربرد و ترجمه تحت‌اللفظی این واژه در یک متن داستانی نه تنها درست نیست، بلکه به غموض و نامتعارف بودن متن ترجمه نیز می‌انجامد.

ترجمه پیشنهادی: یک کم کارتون چه ضرری دارد؟

۲-۲-۲. ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی

دستور و قواعد هر زبانی با زبان دیگر متفاوت است. از این رو، مترجم برای معادل‌سازی صحیح و مناسب باید با تعدیل قواعد نحوی و دستوری زبان مبدأ آن را به زبان مقصد نزدیک‌تر کند (صیادانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۲). در حقیقت، برگردان قالب و ساختار جمله از زبان مبدأ به مقصد شرط اصلی ترجمه است و این امر تنها با تجزیه و تحلیل دستور زبانی واحد ترجمه میسر می‌شود (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۶). پورزبید در ۷ مورد دستور گردانی ترجمه خود را نمایان ساخته است که در این مجال، به ذکر ۲ مورد از آن می‌پردازیم.

متن اصلی: «أجساد ملفوفة بأقمشة صناعية رخيصة تمنع الهواء مثل رقائق النايلون الشفافة التي يغلفون بها الأطعمة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۲).

ترجمه: بدن‌هایی که با پارچه‌های صنعتی ارزان‌قیمت که از ورود هوا جلوگیری می‌کنند، مانند کیسه‌های نایلونی شفاف که با آن غذاها را بسته‌بندی می‌کنند، پوشیده می‌شود (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۴).

مترجم در ترجمه این عبارت، فاصله زیادی میان مبتدا و خبر یا همان نهاد و گزاره ایجاد کرده است. همچنین خبر مفرد «ملفوظه» را به صورت فعل ترجمه کرده و همین امر بر فاصله زیاد میان نهاد و فعل تأثیر گذاشته است.

ترجمه پیشنهادی: بدن‌های پیچیده در پارچه‌های مصنوعی ارزان‌قیمت و شبیه به کیسه‌های نایلونی نازک مخصوص بسته‌بندی مواد غذایی که هوا از آن‌ها رد نمی‌شود.

متن اصلی: «لوحه لی بیدها الیسری، بینما کانت أصابع الیمنی تتوزع مثل المروحة للتشبهت بالحقیبة وجواز السفر» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۵).

ترجمه: با دست چپش در حالی که انگشت‌های دست راستش مانند پره‌های یک پنکه تقسیم شده بود تا کیف و گذرنامه را محکم بگیرد برایم دست تکان داد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۸).

در این عبارت، بی‌توجهی به ضرورت دور نشدن زیاده از حد نهاد و گزاره و رعایت ترتیب عبارات جمله عربی در ترجمه فارسی آن از روانی متن کاسته است. حال آنکه دستور زبان فارسی ایجاب می‌کند، مترجم ابتدا جمله ظرفیه و سپس جمله اصلی را ذکر کند.

ترجمه پیشنهادی: در حالی که انگشتان دست راستش برای گرفتن چمدان و گذرنامه مثل پره‌های یک بادبزن دستی پخش شده بودند با دست چپش برایم دست تکان داد.

۲-۲-۳. ترجمه از طریق بسط و توضیح معنا

در این مورد، مترجم برای جلوگیری از هرگونه گنگی و ابهام به شرح و توضیح بیشتری در زبان مقصد می‌پردازد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۹). در ۴ مورد از ترجمه پورزبید بسط معنا خودنمایی کرده است که به بیان ۲ مورد بسنده می‌کنیم.

متن اصلی: «تراجع فیه عن زیارة أور...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: نظرش عوض شد و پا پس کشید (پورزبید، ۱۳۹۷: ۵).

پورزبید برای ترجمه یک فعل از دو معادل استفاده کرده است و به نظر می‌رسد این استفاده در جهت تأکید بیشتر بر تغییر نظر فاعل کلام است؛ به نحوی که با تغییر لحن از طریق تأکید در ترجمه، مقصود خود را رسانده است.

متن اصلی: «وسمعتہ یذکر العراق بشیء ما» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۵).
ترجمه: زن شنید که چیزهایی دربارهٔ عراق می‌گوید (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۷).

مترجم در این عبارت، نشانه تأنیث را با ذکر لفظ زن آشکار می‌کند تا نهاد کلام به درستی نمایان شود. در اینجا زن مورد نظر قبلاً با اسم مشخص شده است و از آنجا که او در این بخش در یک جمع متشکل از زنان و مردان حضور دارد، استفاده نکردن از نام وردیه، خواننده را به شک می‌اندازد که آیا آن زن وردیه بوده است یا دیگری. همچنان که با توجه به ذکر اسم قهرمان داستان در بخش‌های قبلی، بهتر است به جای کلمه «زن» از نام او استفاده شود. ترجمه پیشنهادی: وردیه شنید که چیزهایی دربارهٔ عراق می‌گوید.

۲-۲-۴. ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف

برخی از عناصری را که در متن اصلی رمان به آن تصریح شده است، می‌توان با تلویح بیان یا آن را به طور کلی حذف کرد. در واقع ترجمه از طریق حذف؛ یعنی اینکه مترجم براساس زبان مقصد می‌تواند برخی جملات یا کلمات را در ترجمه حذف کند تا ترجمه به زبان مقصد نزدیک‌تر شود، هرچند که مترجم در برابر هر کلمه‌ای که حذف می‌کند، تعهد دارد. «اقلامی که مترجم مجاز به حذف آن‌ها در متون است، عبارتند از: زبان حرفه‌ای، مشروط بر آنکه به قصد تأکید به کار نرفته باشد؛ تبدیل افعال مرکب به ساده در جاهایی که اختلاف معنا جزئی باشد؛ کلیشه‌ها اعم از: قیودی مثل «طبعاً»، «البتہ»، «احتمالاً»، «اساساً»، «اصولاً» و...» (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷: ۱۳۵). در بررسی انجام شده، موردی برای این عنوان یافت نشد.

۲-۲-۵. ترجمه از طریق تغییر نوع جمله

در این نوع ترجمه، مترجم نوع جملات اصلی را در زبان هدف، تغییر می‌دهد؛ مثلاً جملات خبری زبان مبدأ را در زبان مقصد به صورت انشایی ترجمه می‌کند یا اینکه جملات ساده را به صورت مرکب ترجمه کند که در این پژوهش فاقد نمونه است.

نمودار ۲. پراکنندگی زیرمجموعه‌های سطح صرفی- نحوی



۲-۲-۳. گفتمانی - کارکردی

زیرمجموعه‌های این سطح شامل حذف منظور از متن اصلی، حذف حواشی، تغییر به علت اختلافات فرهنگی و اجتماعی، تغییر لحن، تغییر در ساختمان درونی متن مبدأ و تعدیل یا کاهش اصطلاحات محاوره‌ای است که در ادامه نمونه‌های آن‌ها بررسی خواهند شد.

۲-۲-۳-۱. حذف منظور از متن اصلی

متن اصلی: «أسعدنی خروجها من البلد، أخيراً» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۳).
 ترجمه: بیرون آمدنش از کشور خوشحالم کرد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۸).
 واژه «أخيراً» در عبارت عربی در ترجمه فارسی آن حذف شده است.
 ترجمه پیشنهادی: از اینکه بالاخره از کشور خارج شده بود، خوشحال بودم.

۲-۲-۳-۲. حذف حواشی

نمونه برای «حذف حواشی» در ترجمه پورزبید یافت نشد.

۲-۲-۳-۳. تغییر به علت اختلافات فرهنگی و اجتماعی

گاه ممکن است کاربرد یک واژه از منظر فرهنگ مبدأ بدون اشکال و پذیرفته شده باشد، اما فرهنگ زبان مقصد کاربرد آن را نپسندد. ممکن است تشبیهی در زبان مبدأ گویای امری باشد و نویسنده از آن برای تبیین موضوعی استفاده کرده باشد، اما همان تشبیه در زبان مقصد از این

وجه تبیین کنندگی برخوردار نباشد. در این شرایط مترجم ناگزیر است با هدف حفظ ارزش و سطح متن، دست به تغییراتی بزند. مثال زیر یکی از این موارد است؛ هر چند که به نظر می‌رسد مترجم در این مورد موفق عمل نکرده است.

متن اصلی: «حجارة اللی ما تعجبک تفجخک.. تشج رأسک» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۳۰).
ترجمه: از هر چی بدم می‌آید، سرم می‌آید (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۷).

ضرب‌المثل‌های هر ملتی در بافت فرهنگی همان کشور شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند، اما به همان شکل نزد ملتی با فرهنگی متفاوت معنا نمی‌یابند و برای ادای حق آن‌ها در ترجمه باید به دنبال معادل مناسب با معنای ضرب‌المثل در متن مقصد بود. پورزبید تلاش کرده این کار را کند، اما از معادل درستی استفاده نکرده است؛ زیرا با توجه به جملات پیشین، مادر از دکتر شدن دخترش خوشحال است و با وجود اینکه دیگران توقع چنین اتفاقی را نداشته‌اند، او پیش‌بینی کرده که دخترش همه را متعجب خواهد ساخت و این ضرب‌المثل را به عنوان شاهد ادعای خود گفته است، اما ضرب‌المثلی که پورزبید به کار برده؛ یعنی مادر از دکتر شدن وردیه ناراحت است.

ترجمه پیشنهادی: «فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه!» یا «ای بسا سنگ که مینا شد از اقبال گداز!»

لازم به توضیح است که هر چند لفظ عبارت عربی ممکن است غلط‌انداز باشد و از قضا ترجمه پورزبید نیز ترجمه نزدیک به لفظ عبارت عربی است، اما با توجه به سیاق عبارت، تناسبی میان ضرب‌المثل فارسی «از هر چی بدم می‌آید سرم می‌آید» با حس مادر که می‌خواهد به همه بگوید «دیدید دخترم را به حساب نمی‌آوردید ولی خانم دکتر شد!» وجود ندارد. مادر برای دخترش جشن می‌گیرد و ساز و آواز به راه می‌اندازد و دختر با عزت و احترام و با حمایت خانواده راهی شهر محل طبابتش می‌شود و همه اینها نشان می‌دهد که این ضرب‌المثل باید گویای این مطلب باشد.

۲-۳-۴. تغییر لحن

حفظ لحن یکی از ارکان تأثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان (Tense)، وجه (Mood) و بنا (Voice)، واژگان (Lexis) و نحو (Grammar) آن را حفظ کرد (ر. ک: متقی‌زاده و

نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷). به عبارت دیگر، این پنج عنصر اعم از زمان، تم، آوا، واژگان و نحو جمله، لحن متن را می‌سازند و مترجم باید از این عناصر به گونه‌ای استفاده کند که فضای حاکم بر جمله و متن را به درستی به خواننده القا کند.

متن اصلی: «خبیب أملها ولم یأت بالجبة المذهبة التي ... لا بأس. إنه البابا وها هي فی حضرته» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: ای بدک نیست... (پورزید).

در این بخش وردیه در حضور پاپ اعظم است. آرزویش برآورده نشده و پاپ آن جُبه طلایی را که وردیه دوست داشته او را در آن ببیند، پوشیده است. با این حال وردیه به همین که توانسته پاپ را از نزدیک ببیند، راضی شده و می‌گوید: «اشکالی ندارد». هر چند این‌ها افکار وردیه است با این حال کاربرد عبارت «ای بدک نیست» -چنان که پورزید به کار برده است- با لحن جملات و بند مربوطه همخوانی ندارد. وردیه در حال نظر دادن درباره‌ی لباس پاپ نیست که بتوان در برگردان عبارت «لا بأس» گفت: ای.. بدک نیست.

۲-۲-۳-۵. تغییر در ساختمان درونی متن مبدأ

متن اصلی: «و أزاحت قناني السبيرتو...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۸).

ترجمه: بطری‌های اسپرتو... را از بین برد (پورزید، ۱۳۹۷: ۲۰).

نویسنده در این بخش از داستان در حال توصیف وردیه در مطبخ است. حال آنکه استفاده از بطری، مخاطب را به یاد نوشیدنی می‌اندازد؛ خصوصاً که اسپرتو یک نام تجاری است. در زبان عربی به الکل، سبیرتو یا اسپرتو می‌گویند (ر. ک: وحدتی شیری، ۱۳۸۹: ۲۷ و معجم المعانی و قاموس الترجمان)، اما همانطور که ملاحظه می‌شود، مترجم اسپرتو را به اسپرتو تغییر داده و در کار خود وارد کرده است.

ترجمه پیشنهادی: شیشه‌های الکل... را دور انداخت.

۲-۲-۳-۶. تعدیل یا کاهش اصطلاحات محاوره‌ای

متن اصلی: «لم یکذب الشعراء الملاعين الغاوون اصدقاء اخيها سليمان و ندماء...» (کجه‌جی،

۲۰۱۳: ۳۱).

ترجمه: شاعران لعنتی فریبه کار دوستان برادرش و ندیمان او زمانی گمان می‌کردند... (پورزید، ۱۳۹۷: ۳۴).

مترجم فعل «لم یکذب» را ترجمه نکرده و بدین صورت از مفهوم اصلی جمله فاصله گرفته است. حال آنکه می‌توانست بگوید: «شاعران... بیراه نگفته بودند که...»، چراکه واژه «غاوی» به معنای گمراه است و نه فریبه‌کار.

متن اصلی: «هات صورتین و طابعاً مالياً و خذ جواز سفرک» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۶).

ترجمه: دو عکس و یک تمبر بیاور و گذرنامه‌ات را ببر (پورزید، ۱۳۹۷: ۲۹).
«تمبر مالیاتی یا برجسب عوارض» بهترین جایگزین برای ترکیب «طابعاً مالياً» است، اما مترجم با حذف ترجمه واژه «مالیا» به مقصود اصلی نویسنده، خلل وارد کرده است. ترجمه پیشنهادی: دو عکس و یک تمبر مالیاتی بیاور و گذرنامه‌ات را ببر.

متن اصلی: «تلك المخصصة للعمليات الدقيقة...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۷).

ترجمه: همان که مخصوص عمل جراحی است (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۹).
نویسنده می‌داند که عمل جراحی کار ظریفی است، با این حال کلمه «دقیقه» را ذکر کرده است، زیرا طبیعتاً عمل‌های جراحی از نظر دقت و ظرافت با هم متفاوتند و پزشکان از چاقوهای مختلفی در این کار استفاده می‌کنند، اما مترجم معادلی برای کلمه «الدقیقة» نیاورده و با حذف آن به توصیفات جزئی نویسنده اثر خلل وارد کرده است. ترجمه پیشنهادی: همان که مخصوص عمل‌های جراحی ظریف است.

متن اصلی: «تأمل الثریات و النقوش الذهبیة و الرسوم البدیعة التي تطرز سقف القاعة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۵).

ترجمه: در لوسترها و نقاشی‌های بی‌نظیری که سقف سالن را مزین کرده بود، تأمل می‌کرد (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۸).

مترجم برای دو واژه «الثریات و الرسوم البدیعة» معادلی ذکر کرده، اما برای واژه «النقوش الذهبیة» که میان دو کلمه آمده، معادلی بیان نکرده است. در حقیقت نقش و نگارهای طلائی که بهترین معادل برای این واژه محذوف است در بطن واژه «الرسوم البدیعة» مخفی شده و

هویت خود را از دست داده است. در صورتی که نویسنده با هدف توصیف جزئیات مکان، خواستار بسترسازی زیبا و جذاب برای به تصویر کشیدن اتفاقات داستان بوده و حذف بی‌مورد این واژه به غرض نویسنده خلل وارد کرده است. ترجمه پیشنهادی: در لوسترها و نقش و نگارهای طلایی و نقاشی‌های بی‌نظیری که سقف سالن را مزین کرده بود، تأمل می‌کرد.

متن اصلی: «كهلأ اشيب متأنقا علی اربع و عشرين حبة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۲).

ترجمه: پیرمردی بسیار خوش پوش (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۴).

مترجم برای واژه «اشیب» هیچ‌گونه معادلی بیان نکرده است؛ گویی که آن را در کلمه «پیرمرد» نهان کرده تا از اطناب جلوگیری کند. حال آنکه ترجمه دقیق این عبارت به تصویرسازی برای مخاطب در جریان شخصیت‌پردازی کمک شایانی خواهد کرد. ترجمه پیشنهادی: پیرمردی با موهای سفید و بسیار خوش پوش.

متن اصلی: «یسیر خطوات علی السجادة الزرقاء...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: مهمان روی فرش آبی راه می‌رود (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۶).

مترجم برای واژه «خطوات» هیچ معادلی ذکر نکرده است و تنها به ترجمه فعل بسنده می‌کند.

ترجمه پیشنهادی: مهمان چند قدمی روی فرش آبی راه می‌رود.

متن اصلی: «حیة کتبت علیهم فی سجل مجهول...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۹).

ترجمه: زندگی که برای آن‌ها در شناسنامه‌ای مجهول نوشته شده... (پورزید، ۱۳۹۷: ۲۱).

نویسنده برای اینکه مفهوم زندگی پررنج و مشقت را به تصویر بکشد، از ترکیب «کتب + علی» استفاده کرده است. از این رو، مترجم باید در ترجمه این عبارت از معادل درستی در زبان مقصد بهره بگیرد.

ترجمه پیشنهادی: زندگی پرمشقتی که در شناسنامه‌ای مجهول به آن محکوم شده بودند... .

نمودار ۳. پراکندگی زیرمجموعه‌های سطح گفتمانی-کارکردی



۲-۲-۴. سبکی - علمی

زیرمجموعه‌های این سطح شامل بسط خلاقه، اشتباه مترجم، حفظ اعلام و حفظ ساختار خاص متن مبدا است که در ادامه نمونه‌های آن‌ها بررسی خواهند شد.

۲-۲-۴-۱. بسط خلاقه

متن اصلی: «یسیر خطوات علی السجادة الزرقاء» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).
ترجمه: مهمان روی فرش آبی راه می‌رود (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۶).
مترجم کلمه «مهمان» را که در متن مبدأ تقدیراً حذف شده است به صورت آشکار در زبان مقصد بیان می‌کند تا بتواند اطلاعات دقیقی را در اختیار مخاطب قرار دهد.

متن اصلی: «وقف یرتجل کلمة ترحیب لم تفهم منها شیئا...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).
ترجمه: ایستاد تا سخنرانی خوشامدگویی را ایراد کند که وردیه هیچ چیز از آن نفهمید (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۶).

نام وردیه در زبان مبدأ از طریق ضمیر مستتر بیان شده است، اما مترجم به درستی و وضوح با ذکر نام بدل از ضمیر توانسته هر گونه گنگی در زبان مقصد را از بین ببرد و مخاطب را متوجه فاعل کلام سازد.

متن اصلی: «افهم منها أن وزير الخارجية جاء بنفسه...» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۲۷).
ترجمه: از حرف‌های این زن می‌فهمم که وزیر خارجه شخصاً آمده (پورزید، ۱۳۹۷: ۲۹).
ضمیر «ها» در حرف جر «من» با لفظ مناسبی در زبان مقصد مانند «حرف‌ها» نمایان شده
است تا بتواند معنا را به بهترین صورت تکمیل سازد.

۲-۲-۴. اشتباه مترجم

مترجم در ۲۳ نمونه دچار اشتباه در ترجمه شده است که به بررسی ۱۳ نمونه در این مقاله
خواهیم پرداخت.

متن اصلی: «الله يحفظك لشبابك» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۱۵).
ترجمه: خدا تو را حفظ کنه جوون (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۷).
این عبارت دعایی را وردیه در تشکر از سارکوزی^۱ که برای دست دادن به او از سکو پایین
آمده است، می‌گوید. این دعا در جرگه اصطلاحات محاوره‌ای استفاده می‌شود، اما مترجم آن
را به درستی ترجمه نکرده است، چرا که به نظر می‌رسد حرف «ل» در کنار «شباب» را نادیده
انگاشته و در ترجمه نیاورده است.
ترجمه پیشنهادی: خدا تو را برای جوانانت حفظ کند.

متن اصلی: «متصرف اللواء و قائد الفرقة الاولى و العلوية شذرة...» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۱۶).
ترجمه: استاندار، سرلشکر، فرمانده تیپ یکم، سیده شذره... (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۸).
«لواء» در این متن، اصطلاح نظامی نیست، بلکه به تقسیمات کشوری عراق اشاره دارد.
ترجمه پیشنهادی: استاندار، فرمانده لشکر یکم، سیده شذره...

متن اصلی: «لو جاء أهالي الديوانية الذين كانت تعرفهم... لو وقفوا كلهم معها ظهرا و سندا»
(کجه جی، ۲۰۱۳: ۱۷).
ترجمه: چه می‌شد اگر اهالی دیوانیه که آن‌ها را می‌شناخت می‌آمدند... چه می‌شد اگر همه
آن‌ها پشت و رو کنارش می‌ایستادند (پورزید، ۱۳۹۷: ۱۸).

1. Sarkozy, N.

مترجم در این عبارت با ترجمه تحت‌اللفظی، مقصود نویسنده را اشتباه ترجمه کرده و از آن فاصله گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: ای کاش همه آن‌ها پشت او می‌ایستادند (حامی و پشتیبان او بودند).

متن اصلی: «تتعامل یدها بخفة مع اجساد شابة او مترهلة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۱).

ترجمه: دستانش به آرامی روی بدن‌های جوان یا شل و ول کار می‌کرد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۴).

«بخفة» به معنی سرعت است که مترجم به خطا، آن را «به آرامی» ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: دستانش روی بدن‌های جوان یا شل و ول، سریع کار می‌کرد.

متن اصلی: «الحواجب الموشومة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۲).

ترجمه: ابروهای برداشته (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۴).

مقصود از «موشومة» «خالکوبی شده» است؛ نه تمیز و اصلاح شده. این اسم مفعول از ریشه

«وشم» به معنی به جا گذاشتن اثر و نشانه روی چیزی است (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۱۱۸۹).

ترجمه پیشنهادی: ابروهای خالکوبی شده.

متن اصلی: «هویة یمکن لأهل البلاد الحصول علیها آلیاً» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۶).

ترجمه: هویتی است که مردم کشور می‌توانند آن را به شکل خودکار به دست آورند (پورزبید،

۱۳۹۷: ۲۹).

معادل «هویة» در زبان فارسی شناسنامه است که مترجم به اشتباه آن را عیناً در متن مقصد

ذکر کرده است.

ترجمه پیشنهادی: شناسنامه‌ای است که مردم هر کشوری می‌توانند آن را به صورت مکانیزه

دریافت کنند.

متن اصلی: «... لکنها یتسم ووجهها صاف» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۸).

ترجمه: ... اما لبخند می‌زند و صورتش بدون چروک است (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۰).

مقصود نویسنده از لفظ «صاف»، «شفاف» است، اما مترجم آن را بدون چین و چروک تعبیر

کرده است. در این بخش، نویسنده در مورد پیرزنی صحبت می‌کند که با اینکه روی ویلچر

نشسته، اما سر حال است و صورتش از شادی برق می‌زند.

ترجمه پیشنهادی: «صورتش شفاف است» یا «چهره‌اش باز است».

متن اصلی: «إنه الابن البكر، حاد و نحيل وقوی ومنتصب القامة مثل الألف، و عليه يعلقون الآمال» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۹).

ترجمه: او پسر بزرگ خانواده، حساس و ترکه‌ای و قوی است و مانند الف شق و رق. به او امید زیادی دارند (پورزید، ۱۳۹۷: ۳۲).

در این بخش نویسنده برای پسر بزرگ خانواده، صفات برجسته‌ای ذکر می‌کند، اما پورزید به اشتباه صفت «حاد» را به «حساس بودن» تعبیر کرده است. حال آنکه از سیاق عبارات چنین برمی‌آید که مقصود از «حاد»، تیزهوش و تیزبین بودن سلیمان است.

ترجمه پیشنهادی: او پسر ارشد، باهوش ...

متن اصلی: «شقیقتها السافرة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۳۰).

ترجمه: خواهر مسافرش... (پورزید، ۱۳۹۷: ۳۳).

لفظ «سافرة» در عربی برای «زنان بی‌حجاب» استفاده می‌شود، اما مترجم به خطا این لفظ را به صورت مسافر ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: خواهر بی‌حجابش ...

متن اصلی: «زعموا أن هناك مساقط للرؤوس و أخرى للأفئدة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۳۱).

ترجمه: گمان می‌کردند که آنجا زادگاه تن‌ها و قلب‌ها است (پورزید، ۱۳۹۷: ۳۴).

در این عبارت، پورزید به سیاق جملات بی‌توجه بوده است، چرا که وردیه در فضای شهری جدید قدم گذاشته و سخنی را از زبان دوستان شاعر سلیمان در ذهن مرور می‌کند که این نقل قول، معادل درستی در زبان فارسی دارد که می‌گوید: «می‌گویند، تن آدم یک جا زاده می‌شود و دلش جای دیگر». به عبارت دیگر، انسان یک زادگاه جسمی دارد و یک زادگاه روحی. این نقل قول که از سوی شاعران گفته شده نوعی ذوق ادبی دارد که باید با همان ذوق ادبی ترجمه شود.

متن اصلی: «كأن موظفی الداخلية يتسلون بألقابنا وسلالتنا» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۵).
ترجمه: انگار کارمندان وزارت کشور با لقب‌ها و دودمان ما تسلی پیدا می‌کنند (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۸).

فعل «تسلی» در صورت کاربرد به همراه دو حرف «عن ب» به معنای تسلی یافتن است، اما وقتی فقط با حرف جر «ب» به کار می‌رود، به معنای سرگرمی است. از این رو، ترجمه پورزبید در این جمله نادرست است.
ترجمه پیشنهادی: انگار نام‌خانوادگی و دودمان ما، سرگرمی کارمندان وزارت کشور است.

متن اصلی: «تلك التي يقال إن الطرازات تشتغلن عليها عشرات الساعات» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: لباسش همان بود که گفته می‌شود زنان بافنده ده‌ها ساعت روی آن کار می‌کنند (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۶).

منظور نویسنده از کاربرد ضمیر اشاره، اشاره به نوعی از لباس است که در ادامه درباره‌اش توضیح می‌دهد، نه لباسی خاص، اما عبارت به گونه‌ای ترجمه شده است که گویی به لباس خاصی اشاره دارد.
ترجمه پیشنهادی: از آن لباس‌هایی تنش بود که می‌گویند زنان سوزن‌دوز، ساعت‌ها رویش کار می‌کنند.

متن اصلی: «لم تغفر له أنه...» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: او را هرگز نمی‌بخشید زیرا... (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۵).

مترجم با اضافه کردن قیدی چون «هرگز» در متن مقصد بار دیگر مفهومی تأکیدی بر لحن کلام خود افزوده است. در حالی که حرف جزم «لم» معنای نفی مؤکد ندارد و این حرف «لن» است که بدین مفهوم، معادل یابی می‌شود.

۲-۲-۳. حفظ اعلام

بیان نام‌ها در زبان فارسی و عربی به دو صورت مطرح می‌شوند: ۱- در دو زبان به یک شکل نوشته می‌شوند؛ مانند «حسین، محمد و...»، یا ۲- مختلف هستند و باید در زبان عربی معرب شوند؛ مانند: «گورو باجف» که معرب آن می‌شود: «غربا تشوف». گاهی باید اسم خاص را

ترجمه کرد و گاهی باید آن را مستقیماً انتقال داد و در مواردی نیز باید به همراه توضیح آورد (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

متن اصلی: «اهالی الديوانية التي كانت تعرفهم» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: اهالی دیوانیه که آن‌ها را می‌شناخت (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۸).

مترجم اسم خاص شهری را مستقیماً منتقل کرده است.

۲-۲-۴. بیان نامناسب در متن مقصد

در بررسی‌های انجام شده، نمونه‌ای برای «حفظ ساختار خاص متن مبدأ» یافت نشد. این مورد از ۱۱ نمونه تشکیل شده است که به ذکر ۳ مورد اکتفا می‌کنیم.

متن اصلی: «بصوت ناعم و خافت» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۱۴).

ترجمه: با صدایی نرم و آرام (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۶).

معادل واژه «ناعم» در زبان فارسی نرم است، اما در زبان مقصد این صفت برای صدا مستعمل نیست. در نتیجه مترجم باید از صفتی مناسب در زبان فارسی برای توصیف صدا استفاده کند. ترجمه پیشنهادی: با صدایی دلنشین و آرام.

متن اصلی: «اما البنت الصغرى المنطوبة الهزيلة الخجول التي لم يكن أحد يحسب له حسابا» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۹).

ترجمه: اما دختر کوچک منزوی لاغر مردنی خجالتی که هیچ‌کس او را آدم به حساب نمی‌آورد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۲).

مترجم در ترجمه جمله «لم يكن أحد يحسب له حسابا» کمی زیاده‌روی کرده است، چرا که مقصود نویسنده اثر، تنها این بوده که کسی روی آن دختر کوچک خجالتی حساب باز نمی‌کرده است، اما مترجم در کوچک شمردن شخصیت آن دختر افراط کرده و این عبارت را به صورت «هیچ‌کس او را آدم حساب نمی‌کرد» معادل‌سازی کرده است. ترجمه پیشنهادی: اما دختر کوچک منزوی لاغر مردنی خجالتی که هیچ‌کس رویش حسابی باز نمی‌کرد.

متن اصلی: «نحیلة هی لکنها لیست علیلة و لا مسلولة» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۸).

ترجمه: نحیف است؛ ولی علیل و مسلول نیست (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۱).

مترجم هیچ معادلی برای دو واژه «علیل و مسلول» به کار نبرده و عیناً آن‌ها را تنها بدون تاء تأنیث ذکر کرده است؛ حال آنکه «علیل» در زبان فارسی به معنی «ناتوان و از کار افتاده» است. این در حالی است که نویسنده در پی تصویرسازی شرایط است و باید از معادلی چون «بیمار» به جای «علیل» بهره می‌برد. ترجمه پیشنهادی: لاغر است، اما بیمار و مسلول نیست.

۲-۲-۴. پرگویی در برابر ساده‌گویی

در پرگویی در برابر ساده‌گویی، مترجم برای عبارت کوتاهی در زبان مبدأ چندین عبارت بلند به همراه توضیح و شرح در زبان مقصد ذکر می‌کند. این بخش طبق نظریه گارسس با برخی زیر گروه‌ها چون: تعریف و توضیح، بسط معنا و بسط خلاقه تداخل دارد (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۲).

اطناب مترجم در قالب ۱۲ مورد خودنمایی می‌کند که در این پژوهش به بیان ۳ مورد خواهیم پرداخت.

متن اصلی: «لقد أرادت وداعاً یلیق بابتها الصغری وردیة و هی تذهب لتعمل طبیبة فی الریاف» (کجه‌جی، ۲۰۱۳: ۲۸).

ترجمه: می‌خواست مراسم خداحافظی در شأن دختر کوچکش وردیه درحالی که به عنوان پزشک به روستاها می‌رود، برگزار کند (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۱).

مترجم با استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی به پرگویی در کلام دچار شده است؛ در حالی که ضرورتی ندارد که جمله حالیه حتماً به صورت میان جمله و با عبارت «درحالی که» آغاز شود. همچنین لزومی ندارد، کلمه جمع عربی به صورت جمع ترجمه شود. ترجمه پیشنهادی: می‌خواست برای دختر کوچکش وردیه که برای طبابت عازم روستا بود، مراسم خداحافظی در خوری برگزار کند...

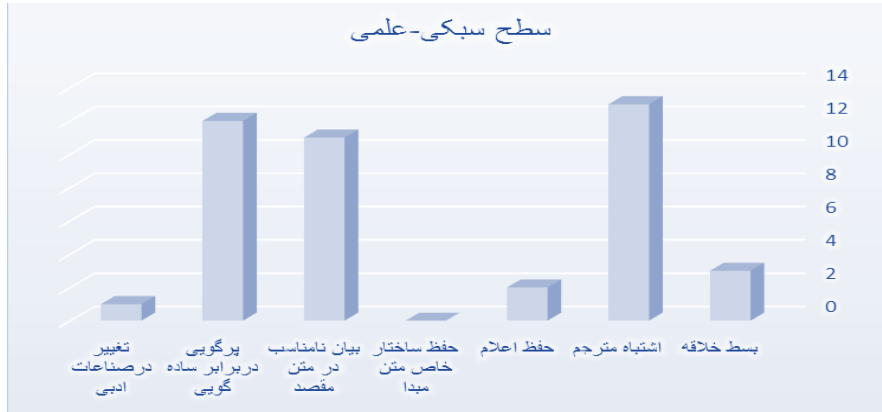
متن اصلی: «تفرکین جبهتک تأملا او ربما مللاً من صداع الحکایة» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۲۴).
ترجمه: پیشانی‌ات را به نشانه تفکر می‌مالی، یا چه بسا از ملالی که در اثر سردرد از بازگویی داستان به وجود آمده این کار را می‌کنی (پورزبید، ۱۳۹۷: ۲۶).
اطناب و زیاده‌گویی در ترجمه و معادل‌یابی این عبارت به اوج خود رسیده تا حدی که نگارش فارسی نیز دچار اشکال شده است.
ترجمه پیشنهادی: پیشانی‌ات را می‌مالی؛ حال، یا داری فکر می‌کنی، یا از شنیدن قصه‌ام سر درد گرفته‌ای.

متن اصلی: «علی المقعد الکبیر المخصص له» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۱۴).
ترجمه: روی صندلی بزرگی که برایش در نظر گرفته بودند (پورزبید، ۱۳۹۷: ۱۶).
مترجم برای صفت «المخصص له» جمله‌ای جایگزین کرده است.
ترجمه پیشنهادی: روی صندلی بزرگ و مخصوصش.

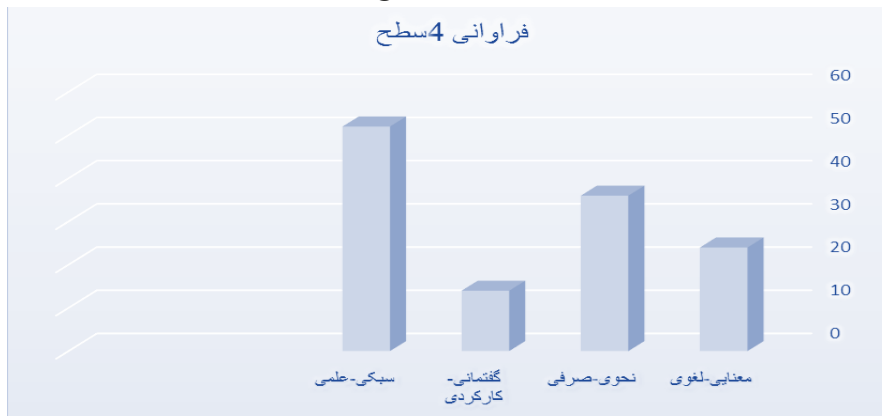
۲-۲-۴-۶. تغییر در صناعات ادبی بالاخص استعاره

متن اصلی: «یترک جمرة فی کیانها» (کجه جی، ۲۰۱۳: ۳۴).
ترجمه: شراره‌ای در وجودش به جای می‌گذارد (پورزبید، ۱۳۹۷: ۳۷).
«جمره» به معنی شراره آتش است، اما ترجمه جمله به این صورت تحت‌اللفظی، آن معنای کنایی موردنظر از این عبارت را در فارسی منتقل نمی‌کند. این عبارت باید طوری ترجمه شود که کنایه از اندوه بسیار و جگرسوز باشد.
ترجمه پیشنهادی: «که جگرش را می‌سوزاند» یا «که دلش را آتش می‌زند».

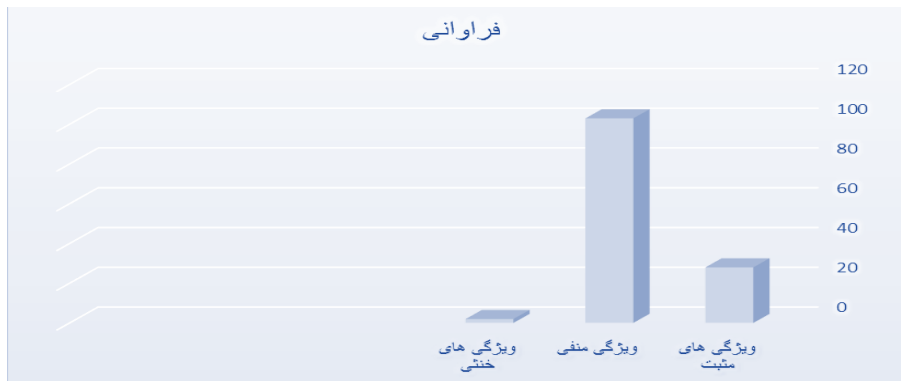
نمودار ۴. پراکندگی زیرمجموعه‌های سطح سبکی- علمی



نمودار ۵. مقایسه فراوانی نمونه‌ها در سطوح چهارگانه الگوی گارسس



نمودار ۶. مقایسه نسبت ویژگی‌های مثبت و منفی و خنثی



بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده از رمان «طشاری» و ترجمه آن با عنوان «تکه‌پاره‌های من» در قالب نمودارهایی به نمایش درآمده که بیانگر نقاط ضعف و قوت این ترجمه هستند. مترجم به تمامی سطوح الگوی گارسس به یک اندازه توجه نداشته و در این میان، شاهد غلبه و برتری سطح چهارم؛ یعنی سطح سبکی - علمی هستیم.

طبق پژوهش انجام شده، ترجمه پورزید از «طشاری»، ۲۳ مورد اشتباه مترجم، ۱۱ مورد بیان نامناسب در متن مقصد و ۱۲ مورد پرگویی دارد. علاوه بر این، ویژگی‌های منفی دیگری چون ۲۲ مورد ترجمه تحت‌اللفظی، ۱۳ مورد قبض نحوی، ۳ مورد تلویح، ۹ مورد تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، ۳ مورد تغییر لحن و ۳ مورد بسط خلاقه را دربر گرفته است. در یک نگاه کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که ویژگی‌های منفی این ترجمه بالغ بر ۱۰۳ مورد است که باعث مقبولیت پایین ترجمه شده است. همچنین زیرمجموعه‌های سطح سبکی - علمی در قالب ویژگی‌های منفی قرار می‌گیرند و این امر بیانگر این حقیقت است که مترجم در حفظ سبک نویسنده قدم برنداشته و با اشتباهاتی در ترجمه، بیان نامناسب برخی عبارات و اطناب و پرگویی در مواردی دیگر از متن مبدأ فاصله گرفته است. در عین حال که در موارد متعدد، مفهوم به شکل دقیق به زبان مقصد منتقل نشده و شاهد ترجمه تحت‌اللفظی هستیم. همچنین با وجود دشواری انتقال زوایای نهان و آشکار متن مبدأ - که شامل سبک نویسنده و ساختار مضمون اصلی متن است - باید بگوییم مترجم در این زمینه توفیقی نداشته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Yosra Shadman  <http://orcid.org/0000-0001-8063-9741>

Mina Arabi  <http://orcid.org/0000-0002-7105-1644>

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نی.
پورزید، کریم. (۱۳۹۷). تکه‌پاره‌های من. تهران: مروارید.

- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: امیر کبیر.
- رایس، کاترینا وهاوس، جولیان. (۲۰۱۱). نقد ترجمه در پرتو رویکرد زیاتشناسی نقش‌گرا. ترجمه گلرخ سعیدنیا. تهران: قطره.
- رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین. (۱۳۸۹). ارزیابی و مقایسه‌ی ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس. *زبان پژوهی*، ۲(۳)، ۵۸-۱۰۸.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۷). *هفت گفتار د رمورد ترجمه*. تهران: مرکز.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۹۴). *از گوشه و کنار ترجمه*. تهران: مرکز.
- طهماسبی، عدنان، همایونی، سعدالله و صابری، شیما. (۱۳۹۲). لایه‌های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۳(۷)، ۱۵۲-۱۷۶.
- عبدالباسط عبد، محمد. (۲۰۱۷). *الخطاب النقدي التراث والتأويل*. ط ۱. بیروت: الانتشار العربی.
- عصفور، محمد. (۲۰۰۹). *دراسات فی الترجمة و تقدها*. ط ۱. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- فراهادی، پروین. (۱۳۹۲). *بررسی نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه نقد و ارزیابی آثار ترجمه-شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- قلی‌زاده، حیدر. (۱۳۸۰). *مشکلات ساختاری ترجمه قرآن*. چ ۱. تبریز: دانشگاه تبریز.
- کجه‌جی، انعام. (۲۰۱۳). *طشاری*. ط ۱. بیروت: الجدید.
- لفور، آندره، بسنت، سوزان و هورنی، مری اسنل. (۱۳۹۴). *چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه*. ترجمه مزدک بلوری. چ ۲. تهران: قطره.
- متقی‌زاده، عیسی و نقی‌زاده، سیدعلاء. (۱۳۹۶). ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷(۱۶)، ۱۶۹-۱۹۳.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۰). *مسأله امانت در ترجمه*. تهران: نشر دانش.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۶۱). *غلط نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه با تکیه بر زبان عربی*. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- نیومارک، پیترو. (۲۰۰۶). *الجامع فی الترجمة*. ترجمه حسن غزاله. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- _____ (۲۰۰۸). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.
- وحدتی شبیری، حسن. (۱۳۸۹). *الکل و فرآورده‌های آن در قفه اسلامی*. تهران: بوستان کتاب.

www.Tarjoman.com

References

- Abdulbasit Abd, M. (2017). *Al-khattab Al-Samatami Al-Taraat wa Al-Taawil*. 1 Edition. Beirut: Al-Tanhar Al-arabi. [In Arabic]
- Asfour, M. (2009). *Studies in Translation and Reviews*. 1 Edition. Beirut: Al-arabiyyah Al-derasat and Al-nashr. [In Arabic]
- Azarnoosh, A. (2013). *Contemporary Arabic-Persian Culture*. 15 Edition. Tehran: Nei Publishing. [In Persian]
- Farhadi, P. (2012). *Criticism and Evaluation of the Translation of Arabic Texts (Criticism and Evaluation of the Translated Works of Ghassan Kanfani in three Sections: Stories, Hadiths and Plays)*. Master's Thesis. University of Tehran. [In Persian]
- Garces. C. V. (1994). A Methodological Proposal for the Assessment of Translated literary works. *Babel*. 40.77-101. [In Persian]
- Haqqani, N. (2016). *Comments and Theories of Translation*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Kajahji, A. (2013). *Tashari i*. 1 Edition. Beirut: New. [In Persian]
- Lefebvre, A., Besnet, S. & Hornby, M. S. (2014). *The Cultural Turn in Translation Studies*. Mazdak Blu-ray Translation. 2 Edition. Tehran: Drop. [In Persian]
- Motaghizadeh, I. & Naghizadeh, S. A. (2016). Evaluation of the Translation of Persian Literary Texts into Arabic based on Carmen Garces model (the Message of the Leader of the Revolution on the Occasion of Hajj Season 2015 for Example. *Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 7(16), 169-193. [In Persian]
- Najafi, A. H. (1988). *Let's not Write Wrong: the Culture of Persian Language Difficulties*. Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]
- Natal Khanleri, P. (2001). *The Issue of Trust in Translation*. Tehran: Danesh Monthly. [In Persian]
- Nemark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. New York: Prentice Hall.
- _____. (2006 AD). *Al-Jamae fi Al-tarmah*. Translated by Hassan Ghazaleh. Beirut: Dar and Al-hilal School. [In Persian]
- _____. (2008). *Translation Techniques Training Cours*. Translated by Mansour Fahim and Saeed Sabzian. Tehran: Rahnama. [In Persian]
- Niazi, Sh. & Ghasemi Asl, Z. (2017). *Models of Translation Evaluation based on Arabic Language*. 2 Edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Pourbid, K. (2017). *My Pieces*. Tehran: Marwarid Publications. [In Persian]

- Qolizadeh, H. (2003). *Structural Problems of Quran Translation*. 1 Edition. Tabriz: Tabriz University Press. [In Persian]
- Rashidi, N., Farzaneh, Sh. (2012). Evaluation and Comparison of Persian Translations of the English novel *The Prince and the Beggar* by Mark Twain based on Garces Model. *Two Quarterly Journals of Linguistics*, 2(3), 58-108. [In Persian]
- Rice, K. and Julian, H. (2011). *Criticism of Translation in the Light of Role-oriented Linguistic Approach*. Translated by Golrokh Saeednia. Tehran: Qatreh Publishing. [In Persian]
- Safavi, C. (2017). *Seven speeches about Translation*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Solhjo, A. (2015). *Az Gosheh va Kenar Tarjomeh*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Tahmasabi, A., Homaioni, S. A. and Saberi, Sh. (2012). Linguistic Layers and External Context in Translational Balance. *Quarterly Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 3(7). 152-176. [In Persian]
- Vahdati, H. (2012). *Alcohol and its Products in Islamic Jurisprudence*. Tehran: Bostan Ketab Publishing House. [In Persian]
- www.almaany.com
- www.tarjoman.com

استاد به این مقاله: شادمان، یسرا، عربی، مینا. (۱۴۰۱). نقد برگردان کریم پورزید از رمان «طشاری» اثر انعام کججه‌چی با عنوان «تکه پاره‌های من» براساس الگوی کارمن گارسس. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۷۱-۱۰۴. doi: 10.22054/RCTALL.2021.58299.1531



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.